تحلیل

صعود نفت برنت به مرز ۸۵ دلار

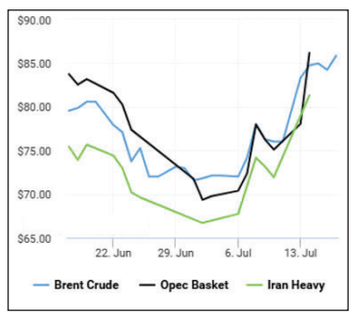

قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی در پی ادامه تجاوز نظامی آمریکا و پاسخ کوبنده ایران و محدود شدن جریان نفت از تنگه هرمز، افزایش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت آتی نفت خام برنت ۷۰ سنت یا حدود ۰.۸۳ درصد افزایش یافت و به ۸۴ دلار و ۹۳ سنت در هر بشکه رسید، در حالی که قیمت آتی نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا ۸۱ سنت یا ۱.۰۳ درصد افزایش یافت و به ۷۹ دلار و ۷۶ سنت در هر بشکه رسید. هر دو شاخص قیمت بازار جهانی نفت از ابتدای هفته جاری تاکنون، تقریبا ۱۲ درصد افزایش یافته‌اند و نفت برنت در مسیر ثبت سومین رشد هفتگی متوالی و وست تگزاس اینترمدیت در مسیر ثبت دومین رشد هفتگی قرار دارند. فاتح بیرول، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی، روز پنجشنبه در یک رویداد شورای روابط خارجی در واشنگتن گفت: «امنیت نفت هنوز یک مساله حیاتی است. اگر اوضاع در چند هفته آینده بهبود نیابد، باید نگران باشیم و من نگران هستم.» فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) روز جمعه در بیانیه‌ای ادعا کرد که نیروهای آمریکایی آخرین موج حملات خود علیه ایران را در ششمین شب به پایان رسانده‌اند. روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران هم ساعاتی پیش اعلام کرده بود که در پاسخ به اقدامات خصمانه آمریکا، محل استقرار هواپیماهای شناسایی و بالگردهای ارتش تروریستی ایالات متحده در بحرین را هدف پهپادهای انهدامی خود قرار داده است. بر اساس گزارش رویترز، تحلیلگران شرکت «آی جی» گفتند که از نظر فنی، اگر قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت بالاتر از سطح حمایت کلیدی در اواسط ۷۰ دلار باقی بماند، می‌تواند به اواسط ۸۰ دلار برسد. فعالیت کشتیرانی از طریق تنگه هرمز در حال حاضر کند شده است.

رویداد

افزایش قیمت ال ان جی وارداتی پاکستان به بالاترین رقم از سال ۲۰۲۲

بحران تنگه هرمز و اختلال در عرضه گاز قطر باعث شده پاکستان گاز را با بالاترین قیمت طی ۴ سال اخیر خریداری کند. به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از اویل پرایس، شرکت دولتی «پاکستان ال ان جی» گران‌ترین محموله گاز طبیعی مایع (LNG) را در بازار نقدی طی چهار سال اخیر خریداری کرده، زیرا تشدید مجدد بحران تنگه هرمز، محموله‌های تامین کننده گاز این کشور، یعنی قطر، را قطع کرده است. این واردکننده دولتی LNG در پاکستان، محموله‌ای را برای تحویل در اوایل هفته آینده از طریق مناقصه‌ای که در روز چهارشنبه بسته شد، خریداری کرده است. معامله‌گرانی که از جزییات این قرارداد آگاه بودند، در روز پنجشنبه گفتند که این محموله با قیمتی حدود ۲۰.۷۰ دلار به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو خریداری شده است. این قیمت خرید، بالاترین قیمتی است که پاکستان از سال ۲۰۲۲ برای یک محموله LNG پرداخت کرده است. قیمت‌های بازار نقدی در آسیا در ۲۰۲۲ پس از حمله روسیه به اوکراین و کاهش عرضه گاز خط لوله‌ای روسیه به اروپا، به رکوردهای تاریخی رسید. پاکستان در طول سال جاری چندین بار مجبور به مراجعه به بازار نقدی LNG شده، چون جنگ ایران و بسته شدن تنگه هرمز، در غیاب جریان‌های صادراتی قطر، رقابت جهانی جدیدی برای تامین این سوخت ایجاد کرده است. این کشور جنوب آسیا که تقریباً تمام نیاز LNG خود را از طریق قراردادهای بلندمدت و با قیمت ثابت از قطر دریافت می‌کرده، از زمان آغاز جنگ ایران و توقف ترافیک در تنگه هرمز، با مشکلات جدی در تامین کالا مواجه شده است. پاکستان در مسیر ثبت رکورد بیشترین تعداد محموله‌های LNG خریداری شده در بازار نقدی در یک ماه، از زمان آغاز جنگ ایران قرار دارد، زیرا تشدید مجدد تنش‌ها در تنگه هرمز، عرضه‌های قراردادی قطر را بار دیگر مختل کرده است. شرکت پاکستان ال ان جی در اوایل این هفته دومین مناقصه خود برای تامین نقدی را در عرض دو هفته صادر کرد، زیرا خصومت‌های تازه در روزهای گذشته، بار دیگر محموله‌های قطر را دچار اختلال کرده و چندین روز است هیچ نفتکش حامل LNG از تنگه هرمز خارج نشده است. این مناقصه اضطراری LNG، اولین موردی نیست که پاکستان در ماه‌های اخیر مجبور به برگزاری آن شده است. تشدید اخیر تنش‌ها در این هفته ممکن است پاکستان را وادار کند تا برای جایگزینی محموله‌هایی که از قطر نمی‌رسند، هزینه‌های سرسام‌آور بیشتری را برای خرید محموله‌های بازار نقدی بپردازد.

بازگشت سرمایه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی در کمتر از ۵ سال

مدیر کل دفتر بررسی‌های اقتصادی و تامین منابع مالی ساتبا از بازگشت سرمایه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی در کمتر از ۵ سال خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، بر اساس اعلام سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، زهره اولیا اظهار داشت: احداث نیروگاه‌های خورشیدی انشعابی با اهداف مختلفی انجام می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها کسب درآمد از محل فروش برق به شبکه است. در این مدل، نیروگاه به‌صورت متصل به شبکه (On-Grid) احداث شده و برق تولیدی آن بر اساس قرارداد خرید تضمینی برق است.
وی با بیان اینکه هزینه احداث یک نیروگاه خورشیدی پنج کیلوواتی در حال حاضر حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان است، افزود: دوره بازگشت سرمایه این نیروگاه‌ها حدود ۴.۵ تا حداکثر پنج سال برآورد می‌شود و پس از آن درآمد حاصل از فروش برق، سود خالص سرمایه‌گذار خواهد بود. یک نیروگاه پنج کیلوواتی در صورت استفاده برای مصرف شخصی، توان پاسخگویی به نیاز برق یک خانوار را دارد، اما در این حالت استفاده از سامانه‌های ذخیره‌ساز ضروری است تا امکان بهره‌برداری از برق تولیدی در ساعات مختلف شبانه‌روز فراهم شود.

گزارش «تعادل» از اخطار آژانس انرژی درباره تشدید تبعات انسداد هرمز

گره در هرمز، لرزه بر بازار نفت

در جهان امروز، هنوز هم بعضی جغرافیاها بیش از هر نهاد و هر بازار و هر توافقی قدرت اثرگذاری دارند. تنگه هرمز یکی از همان نقاط تعیین کننده است؛ گذرگاهی باریک، اما با وزنی بسیار فراتر از اندازه جغرافیایی‌اش. هر اختلال در این مسیر، نه فقط رفت‌وآمد نفتکش‌ها، بلکه ریتم اقتصاد جهانی را به هم می‌زند. هشدار تازه آژانس بین‌المللی انرژی درباره تداوم انسداد یا محدودیت در این آبراه، از همین منظر اهمیت دارد؛ هشداری که باید آن را فراتر از یک موضع‌گیری فنی و در حکم اعلام نگرانی نسبت به آینده ثبات در بازار جهانی انرژی دانست.
واقعیت این است که هرمز فقط یک مسیر حمل‌ونقل دریایی نیست، بلکه یکی از اصلی‌ترین نقاط اتصال میان تولیدکنندگان بزرگ انرژی و مصرف‌کنندگان عمده در جهان به شمار می‌رود. بخش بزرگی از نفت و گاز صادراتی منطقه خلیج فارس از این مسیر عبور می‌کند و به همین دلیل هر کاهش در حجم عبور و مرور یا هر نااطمینانی درباره امنیت این گذرگاه، خیلی زود به بازارهای بین‌المللی مخابره می‌شود. در چنین شرایطی، بازار پیش از آنکه با کمبود واقعی روبه‌رو شود، با ترس از کمبود واکنش نشان می‌دهد. همین ترس است که قیمت‌ها را تکان می‌دهد، هزینه‌ها را بالا می‌برد و برنامه‌ریزی دولت‌ها و شرکت‌ها را دشوار می‌کند.
هشدار آژانس بین‌المللی انرژی در اصل بر همین نقطه دست می‌گذارد: اگر جریان نفت از تنگه هرمز در کوتاه‌مدت به وضعیت باثبات بازنگردد، مساله دیگر فقط نوسان مقطعی قیمت‌ها نخواهد بود، بلکه امنیت انرژی جهان در معرض تهدید قرار می‌گیرد. این تفاوت بسیار مهم است. نوسان قیمت را می‌توان در بسیاری از موارد با ابزارهای مالی، مداخلات محدود یا مدیریت روانی بازار کنترل کرد، اما وقتی پای امنیت انرژی به میان می‌آید، ماجرا از یک تکانه تجاری فراتر می‌رود و به مساله‌ای ساختاری بدل می‌شود. امنیت انرژی یعنی اطمینان از اینکه سوخت مورد نیاز اقتصادها، صنایع، نیروگاه‌ها و شبکه حمل‌ونقل بدون اختلال عمده در دسترس خواهد بود. هر عاملی که این اطمینان را سست کند، در عمل به یکی از عوامل بی‌ثبات‌کننده اقتصاد جهانی تبدیل می‌شود.
اهمیت این هشدار زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم جهان اگرچه در سال‌های گذشته درباره تنوع‌بخشی به منابع انرژی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به نفت بسیار سخن گفته، اما در عمل هنوز از نفت و مسیرهای سنتی انتقال آن بی‌نیاز نشده است. هنوز هم بخش مهمی از صنایع، تجارت جهانی، حمل‌ونقل سنگین، پتروشیمی و زنجیره تأمین جهانی به نفت وابسته‌اند. از این رو، هر بحرانی در یکی از شاهراه‌های نفتی جهان می‌تواند مانند ضربه‌ای مستقیم به شریان‌های اقتصاد بین‌المللی عمل کند. هرمز در این میان جایگاهی منحصر به‌فرد دارد؛ نه به این دلیل که تنها مسیر جهان است، بلکه چون حجم بزرگی از عرضه روزانه انرژی از آن عبور می‌کند و جایگزینی آن در کوتاه‌مدت تقریباً ناممکن است.
آنچه وضعیت را حساس‌تر می‌کند، نابرابری در میزان آسیب‌پذیری کشورهاست. همه دولت‌ها از بحران در هرمز به یک اندازه ضربه نمی‌خورند. اقتصادهایی که دسترسی متنوع‌تری به منابع انرژی دارند، ذخایر استراتژیک بیشتری انباشته‌اند یا قدرت مالی بالاتری برای تحمل افزایش قیمت دارند، راحت‌تر از موج نخست بحران عبور می‌کنند. اما بخش بزرگی از آسیا در چنین موقعیتی نیست. کشورهای صنعتی وارد‌کننده انرژی از یک‌سو، و کشورهای پرجمعیت در حال توسعه از سوی دیگر، بیش از دیگران از هر اختلال در هرمز متأثر می‌شوند. برای آنها مساله فقط این نیست که نفت گران‌تر می‌شود؛ بلکه تمام زنجیره هزینه‌ها بالا می‌رود: از برق و حمل‌ونقل گرفته تا تولید، واردات کالا و نهایتاً معیشت عمومی.
در چنین فضایی، تداوم اختلال در هرمز می‌تواند فشار تورمی تازه‌ای بر بسیاری از اقتصادهای وابسته به واردات انرژی وارد کند. تورمی که فقط در گزارش‌های اقتصادی باقی نمی‌ماند و خیلی زود در سفره خانوارها دیده می‌شود. افزایش هزینه سوخت، کرایه حمل‌ونقل را بالا می‌برد، رشد هزینه حمل‌ونقل به قیمت کالاها منتقل می‌شود و این چرخه در کشورهای شکننده‌تر می‌تواند به نارضایتی اجتماعی و فشار مضاعف بر بودجه عمومی بینجامد. به همین دلیل است که مساله هرمز، فقط مساله نفتکش‌ها و نمودارهای قیمت نیست؛ مساله‌ای است که به‌طور مستقیم با ثبات اقتصادی و اجتماعی بسیاری از کشورها گره می‌خورد.
در کنار این پیامدها، باید به نقش ذخایر استراتژیک نیز با نگاهی واقع‌بینانه توجه کرد. تجربه بازار انرژی نشان داده است که آزادسازی ذخایر می‌تواند برای مدتی کوتاه شوک را مهار کند و به بازار پیام دهد که جهان دست‌بسته نیست. اما این ابزار، ماهیتی موقت دارد. ذخایر برای خریدن زمان هستند، نه برای جایگزینی دائم جریان طبیعی عرضه. اگر اختلال طولانی شود، حتی بزرگ‌ترین ذخایر نیز نمی‌توانند نقش یک شاهراه فعال انرژی را ایفا کنند. از همین رو، هشدار آژانس را باید به عنوان تذکری جدی تلقی کرد که راه‌حل‌های مسکن، جای درمان را نمی‌گیرند.
افزون بر این، بحران در هرمز فقط عرضه فیزیکی نفت را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه به سرعت هزینه ریسک را در کل بازار بالا می‌برد. بیمه کشتی‌ها گران‌تر می‌شود، مالکان نفتکش‌ها محتاط‌تر عمل می‌کنند، زمان‌بندی محموله‌ها به‌هم می‌ریزد و معامله‌گران با نگاه بدبینانه‌تری وارد بازار می‌شوند. در چنین فضایی، حتی اگر بخشی از صادرات ادامه پیدا کند، باز هم هزینه نهایی انرژی بالا می‌رود. به بیان دیگر، بحران لزوماً از مسیر توقف کامل صادرات اثر نمی‌گذارد؛ گاهی صرف افزایش نااطمینانی برای وارد کردن فشار به بازار کافی است. این همان بُعدی است که معمولاً کمتر دیده می‌شود، اما در عمل نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری موج‌های قیمتی دارد.
از طرف دیگر، این وضعیت یک بار دیگر شکنندگی نظم انرژی جهان را آشکار می‌کند. سال‌هاست از گذار انرژی، خودروهای برقی، بهینه‌سازی مصرف و کاهش نقش سوخت‌های فسیلی سخن گفته می‌شود و بی‌تردید این روندها واقعی‌اند، اما هنوز به مرحله‌ای نرسیده‌اند که جهان را از چنین گلوگاه‌هایی بی‌نیاز کنند. تا وقتی نفت و گاز در مقیاس فعلی در قلب اقتصاد جهانی حضور دارند، تنگه‌هایی مانند هرمز همچنان به عنوان نقاط حساس ژئوپلیتیکی باقی خواهند ماند. این یعنی هرگونه راهبرد جدی برای امنیت انرژی، ناگزیر باید مساله مسیرهای انتقال، امنیت دریایی و ریسک‌های منطقه‌ای را هم در مرکز توجه قرار دهد.
یکی دیگر از ابعاد مهم این بحران، اثر نامتوازن آن بر کشورهای فقیرتر است. برای اقتصادهای ثروتمند، جهش قیمت انرژی هرچند پرهزینه است، اما معمولاً با ابزارهای مالی، یارانه‌ای یا ذخایر راهبردی تا حدی قابل مدیریت است. اما در کشورهای کم‌درآمد یا در حال توسعه، رشد بهای سوخت می‌تواند پیامدهای انسانی جدی‌تری داشته باشد. وقتی سوخت‌های متعارف گران می‌شود، برخی خانوارها به استفاده از منابع آلاینده‌تر برای پخت‌وپز و گرمایش روی می‌آورند؛ انتخابی اجباری که سلامت عمومی را تهدید می‌کند و فشار بیشتری بر اقشار ضعیف وارد می‌سازد. بنابراین بحران انرژی در نهایت می‌تواند از حوزه تجارت و سیاست عبور کند و به سطح سلامت، رفاه و زندگی روزمره مردم برسد.
در مجموع، هشدار آژانس بین‌المللی انرژی را باید بازتاب یک نگرانی عمیق‌تر دانست: جهان هنوز بیش از آنچه تصور می‌شود به چند مسیر محدود برای حفظ تعادل انرژی خود وابسته است. اگر این مسیرها دچار اختلال پایدار شوند، تبعات آن تنها در بازار نفت خلاصه نخواهد شد، بلکه به زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و حتی انسانی منتهی می‌شود. هرمز در این میان فقط یک نقطه روی نقشه نیست؛ شاخصی برای سنجش میزان تاب‌آوری اقتصاد جهانی در برابر بحران‌های ژئوپلیتیکی است. از همین رو، مساله اصلی فقط بازگشت چند نفتکش به مسیر عادی نیست. پرسش بزرگ‌تر این است که آیا جهان از این بحران درس خواهد گرفت یا نه. اگر قرار باشد هر بار با بروز تنش در یک منطقه حساس، بازارهای جهانی دچار آشفتگی شوند، آن‌گاه باید پذیرفت که امنیت انرژی هنوز بر زمینی سست بنا شده است. هشدار اخیر آژانس نیز دقیقاً بر همین واقعیت سایه می‌اندازد: ادامه بی‌ثباتی در تنگه هرمز، تهدیدی صرفاً منطقه‌ای نیست، بلکه خطری است که می‌تواند از مرزهای خاورمیانه عبور کند و به قلب اقتصاد جهان برسد.

قانون روی کاغذ ماند؛ صنایع همچنان قربانی نخست ناترازی انرژی

با وجود گذشت بیش از یک دهه از تصویب ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، نه صنایع از اولویت خاموشی خارج شده‌اند و نه خسارت ناشی از قطعی برق و گاز آنها جبران شده است. به گزارش خبرنگار مهر، با وجود آنکه قانون‌گذار بیش از یک دهه پیش برای حمایت از واحدهای تولیدی در زمان کمبود برق و گاز، تکالیف روشنی را بر عهده دولت گذاشت، ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار همچنان اجرایی نشده و صنایع کشور همچنان نخستین قربانی ناترازی انرژی هستند. در شرایطی که قطعی برق در تابستان و محدودیت گاز در زمستان به یکی از مهم‌ترین موانع تولید تبدیل شده، فعالان اقتصادی معتقدند بی‌توجهی به اجرای این ماده قانونی، خسارت‌های گسترده‌ای را به بخش صنعت تحمیل کرده و سرمایه‌گذاری و تداوم تولید را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است. آخرین گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار و شاخص مدیران خرید (شامخ) نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. بر اساس این گزارش، کمبود برق در فصل گرم و محدودیت گاز در فصل سرد، مهم‌ترین مشکل بنگاه‌های اقتصادی عنوان شده و قطعی‌های مکرر انرژی از عوامل اصلی افت شاخص اعتماد به اقتصاد، کاهش فعالیت‌های تولیدی و افت ظرفیت بنگاه‌های صنعتی بوده است. استمرار این وضعیت علاوه بر کاهش تولید، بر اشتغال، برنامه‌ریزی بلندمدت واحدهای صنعتی و همچنین اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تأثیر منفی گذاشته و نگرانی‌ها نسبت به آینده تولید را افزایش داده است. این در حالی است که ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار سه تکلیف مشخص را برای دولت و شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی تعیین کرده است. نخست اینکه در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت اعمال محدودیت قرار گیرند. دوم، شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی موظفند هنگام انعقاد قرارداد با واحدهای تولیدی، وجه التزام ناشی از قطع برق یا گاز را در قراردادها پیش‌بینی کنند. همچنین اگر دولت به دلیل کمبودهای مقطعی دستور قطع انرژی واحدهای تولیدی را صادر کند، مکلف است نحوه جبران خسارت‌های ناشی از این تصمیم را نیز تعیین و اعلام کند اگر دولت به دلیل کمبودهای مقطعی دستور قطع انرژی واحدهای تولیدی را صادر کند، مکلف است نحوه جبران خسارت‌های ناشی از این تصمیم را نیز تعیین و اعلام کند. با این حال، هیچ‌یک از این سه الزام تاکنون به شکل مؤثر اجرا نشده و همین مساله انتقاد فعالان بخش خصوصی و حتی مسوولان وزارت صنعت، معدن و تجارت را به دنبال داشته است.
احمد آتش‌هوش، رییس کمیسیون حقوقی، حمایت‌های قضایی و مقرراتی اتاق ایران، با اشاره به مفاد این قانون می‌گوید صدر ماده ۲۵ به صراحت اعلام کرده که صنایع نباید در اولویت قطع برق و گاز باشند، اما در عمل نخستین محدودیت‌ها متوجه واحدهای تولیدی شده است. به گفته وی، بخش دوم این ماده نیز هیچ‌گاه اجرایی نشده و قراردادهای منعقدشده میان صنایع و شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی به صورت یک‌طرفه تنظیم شده‌اند و هیچ ضمانت اجرایی برای جبران خسارت ناشی از قطع انرژی در آنها وجود ندارد. وی همچنین تأکید می‌کند که بخش سوم ماده ۲۵ نیز عملاً متروک مانده است؛ زیرا هرچند قانون دولت را موظف به تعیین سازوکار جبران خسارت کرده، اما تاکنون نه دستورالعمل مشخصی تدوین شده و نه منابع مالی لازم برای اجرای این تکلیف در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی شده است. در کنار بخش خصوصی، مسوولان وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز بارها نسبت به اجرا نشدن این ماده قانونی هشدار داده‌اند. سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، هوشمندسازی و نوآوری وزیر صمت، با اشاره به ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار به مهر می‌گوید: «این ماده تصریح می‌کند که اولویت محدودیت نباید صنایع باشد و در صورت اعمال محدودیت، دولت مکلف به جبران خسارت است.» وی با بیان اینکه بیش از ۱۰ سال از تصویب این قانون می‌گذرد، افزود: «هنوز ردیف مشخصی در بودجه برای اجرای آن پیش‌بینی نشده است.» به گفته معاون وزیر صمت، بخشی از جبران خسارت در قراردادهای دوجانبه میان تولیدکنندگان و شرکت‌های انرژی پیش‌بینی شده، اما مشکل اصلی مربوط به محدودیت‌هایی است که فراتر از مفاد قراردادها به صنایع تحمیل می‌شود. وی تصریح کرد: «هیچ قراردادی پیش‌بینی نکرده که واحد تولیدی به‌جای ۶۵ روز، هشت یا نه ماه در سال با محدودیت مواجه شود. قانون این موارد را نیز مشمول جبران دانسته، اما در عمل به دلیل نبود ردیف بودجه، اجرایی نشده و ما در یک سیکل معیوب گرفتار شده‌ایم.»
از سوی دیگر، عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت، نیز ناترازی انرژی را مهم‌ترین چالش فعلی بخش تولید می‌داند و به مهر می‌گوید: «مهم‌ترین مساله‌ای که امروز بخش تولید کشور با آن مواجه است، ناترازی انرژی است؛ موضوعی که آسیب جدی به واحدهای تولیدی وارد کرده است. در بسیاری از شهرک‌های صنعتی تقریباً هر هفته با محدودیت و قطعی برق مواجه هستیم و این مساله باعث شده صنعتگران نتوانند با ظرفیت کامل تولید کنند.» وی با اشاره به وعده‌های مطرح‌شده برای کاهش محدودیت‌ها در سال ۱۴۰۵ افزود: «انتظار می‌رفت در سال ۱۴۰۵ محدودیت‌های برق صنایع کاهش یابد، اما این هدف محقق نشد و امروز بخش‌های مختلف صنعت همچنان با قطعی برق روبه‌رو هستند.» زارعی با اشاره به تأکید رییس جمهور مبنی بر اینکه قطع برق صنایع باید خط قرمز باشد، اظهار کرد: «امیدواریم این دستور به‌طور کامل اجرایی شود و شاهد آن باشیم که نخستین راهکار مدیریت مصرف، قطع برق واحدهای صنعتی نباشد.» وی همچنین اعلام کرد که هم‌اکنون برخی شهرک‌های صنعتی دو روز در هفته با قطعی برق مواجه هستند و این مساله خسارت سنگینی به بخش تولید وارد کرده است. به گفته سخنگوی وزارت صمت، برآوردها نشان می‌دهد عدم‌النفع ناشی از این محدودیت‌ها از حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است. در همین راستا، سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، نیز با اشاره به آثار ناترازی انرژی بر تولید، از مشکلات گسترده صنایع کوچک و متوسط خبر داد و گفت: «صنایع کوچک و متوسط اکنون با محدودیت‌های جدی در تأمین برق مواجه هستند و در برخی موارد تا دو روز در هفته با قطعی برق روبه‌رو می‌شوند؛ موضوعی که بر بهره‌وری، استمرار تولید و حفظ اشتغال تأثیرگذار است.» وزیر صمت با اشاره مستقیم به ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار تأکید کرد: «صنایع در سال‌های اخیر برای احداث نیروگاه‌های اختصاصی اقدام کرده‌اند و بخشی از نیروگاه‌های حرارتی و خورشیدی نیز به بهره‌برداری رسیده است، اما اجرا نشدن کامل ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و پرداخت نشدن خسارت ناشی از قطع برق، روند سرمایه‌گذاری در این بخش را با مشکل مواجه کرده است. اجرا نشدن کامل ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و پرداخت نشدن خسارت ناشی از قطع برق، روند سرمایه‌گذاری در این بخش را با مشکل مواجه کرده است.» اتابک همچنین خواستار توزیع عادلانه محدودیت‌های انرژی شد و گفت: «انتظار وزارت صمت این است که محدودیت‌های برق به‌صورت عادلانه میان همه بخش‌های مصرف‌کننده توزیع شود و تمام بار ناترازی بر دوش بخش صنعت قرار نگیرد.» وی از تشکیل کمیته مشترک میان وزارت صمت و وزارت نیرو به دستور رییس جمهور برای هماهنگی در اعمال محدودیت‌های برق خبر داد و ابراز امیدواری کرد با نهایی شدن این هماهنگی‌ها، قطعی برق شهرک‌های صنعتی به بیش از یک روز در هفته نرسد و برنامه زمان‌بندی مشخصی برای صنایع بزرگ تدوین شود. بر این اساس، آنچه از مجموعه اظهارات فعالان اقتصادی و مسوولان وزارت صمت برمی‌آید، این است که اختلافی بر سر اصل موضوع وجود ندارد؛ همه بر لزوم حمایت از تولید و جبران خسارت‌های ناشی از محدودیت‌های انرژی اتفاق نظر دارند. گره اصلی، همچنان در اجراست؛ جایی که قانون به دلیل نبود اعتبار و سازوکار اجرایی، سال‌هاست در حد یک تکلیف روی کاغذ باقی مانده است. در چنین شرایطی، اگر قرار باشد صنایع همچنان نخستین گزینه برای مدیریت ناترازی انرژی باشند، اجرای ماده ۲۵ دیگر یک انتخاب یا مطالبه صنفی نیست، بلکه آزمونی برای میزان پایبندی دولت به اجرای قوانین حمایتی از تولید است؛ آزمونی که نتیجه آن می‌تواند بر آینده سرمایه‌گذاری، تداوم فعالیت واحدهای صنعتی و رقابت‌پذیری اقتصاد کشور اثر مستقیم بگذارد.

مناطق جنوبی و آسیب دیده از جنگ در اولویت تامین برق قرار دارند

وزارت نیرو اعلام کرد مناطق جنوبی و آسیب دیده از جنگ در اولویت تامین برق قرار دارند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، معاون برق و انرژی وزارت نیرو با تاکید بر اتخاذ تدابیر ویژه برای مدیریت شبکه برق در مناطق جنوبی کشور، گفت: رویکرد وزارت نیرو به حداقل رساندن محدودیت‌های انرژی در مناطق گرمسیر و به‌ویژه مناطق آسیب‌دیده از جنگ است و با بهبود شرایط و کاهش تقاضا، تخصیص برق به این مناطق در اولویت قرار خواهد گرفت. مصطفی رجبی مشهدی با تشریح برنامه‌های این وزارتخانه برای مدیریت پیک بار تابستان، اظهار داشت: سیاست وزارت نیرو بر این است که در اعمال محدودیت‌های احتمالی، مناطق جنوبی کشور و نواحی گرمسیر با حساسیت ویژه‌ای دیده شوند و فشار کمتری نسبت به سایر نقاط کشور متحمل شوند. وی افزود: برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای است که به محض بهبود شرایط تامین برق و کاهش میزان مصرف در شبکه سراسری، اولویت تخصیص انرژی به مناطق گرمسیر و آسیب‌دیده از جنگ اختصاص یابد. وزارت نیرو همه توان خود را برای مدیریت تقاضا و عبور از این دوره محدودیت‌ها به کار بسته است. رجبی مشهدی در ادامه با اشاره به اهمیت همکاری مشترکان در مصرف بهینه برق، تصریح کرد: موفقیت در اجرای این برنامه‌ها مستلزم همراهی مشترکان، به‌ویژه مشترکان پرمصرف است. چنانچه همه مشترکان نسبت به مدیریت مصرف اقدام کنند و فقط ۵ درصد صرفه‌جویی در میزان مصرف خود داشته باشند، امکان تأمین برق پایدار برای تمامی بخش‌ها فراهم شده و نیاز به اعمال محدودیت‌ها به حداقل می‌رسد. معاون برق و انرژی وزارت نیرو در پایان خاطرنشان کرد: وزارت نیرو مصمم است با اجرای برنامه‌های مدیریت بار و تداوم پایش‌های شبکه، پایداری انرژی را در این مناطق استراتژیک تضمین کند.

خبر

سهم شهروندان در حفظ منابع آبی تهران چقدر است؟

در شرایطی که تهران پنجمین سال خشکسالی را پشت سر می‌گذارد و منابع آبی این کلانشهر همچنان با کمبود ذخایر مواجه است، مسوولان معتقدند اصلاح الگوی مصرف از سوی شهروندان، مهم‌ترین راهکار پایداری تأمین آب به شمار می‌رود و کاهش سرانه مصرف به الگوی ۱۳۰ لیتری می‌تواند سالانه حدود ۳۵۵ میلیون مترمکعب آب، معادل دو برابر حجم مخزن سد امیرکبیر، صرفه‌جویی به همراه داشته باشد.
به گزارش ایسنا، با وجود افزایش میزان بارندگی‌ها نسبت به سال گذشته، کاهش ۳۴ درصدی بارش‌ها در مقایسه با میانگین بلندمدت، همچنان وضعیت منابع آبی کشور به‌ویژه تهران را در شرایطی شکننده قرار داده است.
بر اساس اعلام کارشناسان، حدود یک‌سوم ظرفیت ذخایر آبی تهران تکمیل نشده و این کلانشهر با کسری حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعبی ذخایر آبی مواجه است. همچنین آثار پنج سال خشکسالی پیاپی، فشار جدی بر سفره‌های زیرزمینی وارد کرده است.
با این حال، تهران در حوزه مدیریت مصرف آب پیشگام بوده و آمارها از روند امیدوارکننده مشارکت شهروندان در صرفه‌جویی حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که از ابتدای سال جاری، حدود ۴۰ میلیون مترمکعب صرفه‌جویی و مدیریت مصرف آب از طریق اقدام‌های فنی و فرهنگی محقق شده است.
بهنام بخشی، سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران، با اشاره به بهبود الگوی مصرف در پایتخت، اظهار کرد: سهم مشترکان خوش‌مصرف از ۲۹ درصد در ابتدای سال گذشته به بیش از ۵۰ درصد رسیده است؛ روندی که در کنار کاهش ۲۵ لیتری سرانه مصرف آب، نویدبخش پایداری بیشتر منابع آبی تهران است.
وی با بیان اینکه سرانه مصرف آب در کلانشهر تهران همچنان ۱۹۵ لیتر به ازای هر شهروند در شبانه‌روز است، افزود: این میزان هنوز ۶۵ لیتر با الگوی استاندارد مصرف فاصله دارد. به گفته وی، در صورت رعایت الگوی ۱۳۰ لیتری مصرف توسط تمامی شهروندان، سالانه حدود ۳۵۵ میلیون مترمکعب آب، معادل دو برابر حجم مخزن سد امیرکبیر، صرفه‌جویی خواهد شد.
مدیر روابط عمومی آبفای استان تهران با اشاره به تداوم خشکسالی در پایتخت و استان تهران گفت: تهران پنجمین سال خشکسالی را پشت سر می‌گذارد و سایه سنگین خشکسالی، منابع تأمین آب را در شرایط شکننده‌ای قرار داده است. با این حال، حمایت دولت و همت وزارت نیرو در اجرای سریع پروژه خط دوم انتقال آب از طالقان به تهران با ظرفیت حدود ۵ هزار لیتر بر ثانیه، نقش مؤثری در تقویت پایداری تأمین آب شهر داشته است.
سخنگوی آبفای استان تهران ادامه داد: امروز به برکت همراهی شهروندان، مصرف لحظه‌ای آب تهران نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۵ هزار لیتر در ثانیه کاهش یافته که نشان‌دهنده عزم جدی مردم در مسیر صرفه‌جویی هوشمندانه، آینده‌نگرانه و مسوولیت‌پذیری در حفظ منابع آبی است. بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد به‌ازای هر یک درجه افزایش دمای هوا، حدود پنج درصد مصرف آب افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا افزایش دما موجب بیشتر شدن دفعات شست‌وشو، افزایش مصرف در بخش‌های بهداشتی و بالا رفتن تعداد دفعات استحمام می‌شود. در این میان، استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف از جمله سرشیرهای کاهنده، سردوش‌های کم‌مصرف و فلاش تانک‌های دومرحله‌ای، از مهم‌ترین راهکارهای مدیریت مصرف به شمار می‌رود. آمارها نشان می‌دهد بهره‌گیری از این تجهیزات در منازل، حداقل ۳۰ درصد صرفه‌جویی در مصرف آب به همراه دارد. مدیریت زمان استفاده از آب نیز یکی از ساده‌ترین راهکارهای کاهش مصرف است. به عنوان نمونه، کاهش یک دقیقه از زمان باز بودن آب هنگام استحمام می‌تواند حدود ۱۵ تا ۲۰ لیتر صرفه‌جویی ایجاد کند و کاهش پنج دقیقه‌ای زمان دوش گرفتن، دست‌کم ۷۵ لیتر از مصرف آب می‌کاهد. در همین راستا، به دستور وزیر نیرو، مشوق‌هایی برای مشترکانی که در ماه‌های گرم سال مصرف آب خود را کاهش دهند، در نظر گرفته شده است. بر اساس این طرح، مشترکانی که مصرف آب خود را نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد کاهش دهند، مشمول ۲۰ درصد تخفیف در پرداخت آب‌بها خواهند شد. همچنین مشترکانی که با نصب تجهیزات کاهنده مصرف و با هماهن